

تقدیم به استاد عزیز دکتر اسدالله نیکنام



مراسم گرامیداشت دکتر نیکنام، مشهد، اسفند ۱۳۹۴

اولین بار در دهه ۱۳۶۰ هنگامی که دانشجوی کارشناسی بودم به عنوان مدرس حل تمرین درس آنالیز ریاضی که توسط جناب آقای دکتر نیکنام ارائه می شد، ایشان را ملاقات کردم. یک خصوصیت جالب تدریس دکتر در دوره کارشناسی، علاوه بر ذوق و شوق همیشگی ایشان که با سطوری که بر تخته سیاه نوشته می شد عجین بود، اعلام اسامی عده ای از دانشجویان (قبول شده یا رد شده) پشت در دفترشان پس از امتحان پایان ترم جهت شرکت در مصاحبه بود. هیچ وقت، هیچ جا و هیچ کس دیگری را که چنین تلاش به جایی را در دوره کارشناسی برای اطمینان از سطح یادگیری دانشجویانش از خود نشان دهد، ندیدم.

اولین درس رسمی ام با استاد نیکنام، آنالیز تابعی ۱ در ترم اول دوره کارشناسی ارشد بود (زیرا آنالیز حقیقی را در دوره کارشناسی به عنوان درس اختیاری گذرانده بودم). لحظاتی که دکتر "ترم یک نگاشت خطی بین فضاهای نرمدار" را معرفی می کرد یا آن موقع که در درس نظریه عملگرها نشان می داد "هر ایده آل دوطرفه در یک C^* -جبر، خودالحاق است" زیباترین لحظاتی بود که در دوران تحصیلم در تحصیلات تکمیلی دیده ام. شاید باورنکردنی باشد ولی استحکام استدلالهای استاد با درخشش نوشته هایش که با قدرت بر تخته سیاه نقش می بست قابل مشاهده بود.

گاهی دکتر نیکنام بخشهایی از یک کتاب را به عنوان سمینار به دانشجویان واگذار می کرد. دانشجویان باید مطلب را می فهمیدند و با جزییات آن را ارائه می کردند. آن چه از دکتر نیکنام آموختم و یکی از مشخصه های تدریس و تحقیق شد این بود که "دانشجو باید برهان هر قضیه را کلمه به کلمه بفهمد و از هیچ قسمتی بدون اطمینان از فهم دقیق و درست آن رد نشود. باید فکرش را به کار ببرد و تلاش کند همه چیز را بفهمد". بارها دانشجویی رابطه ای را بدون دقت روی تخته سیاه می نوشت یا در سمینار بر زبان می آورد و و آن موقع بود که آقای دکتر با واژه "چرا؟" از وی می خواستند دلیل صحت مطلبش را به طور دقیق ارائه دهد. تلاش دانشجو برای پاسخ که عموماً همراهی بقیه دانشجویان کلاس و حتی خود استاد را به همراه داشت، جوی پویا و علمی را برای حل یک سوال یا رفع یک نقص در یک استدلال پدید می آورد. حتی اگر دانشجو ستونی از نوشته ها را پشت سر می گذاشت و به

دلایلی استاد متوجه آن نبود، بلافاصله از وی می خواست به عقب برگردد و نوشته هایش را توضیح دهد. حضور دکتر در کلاس نعمتی بزرگ بود، به ویژه خوش فکری و دقت بالای ریاضی وی ستودنی بود.

تأثیرات مثبت دکتر بر من به عنوان یکی از شاگردانش همچنان قابل مشاهده است. چنان که بارها در جلسه مصاحبه آزمون دکتری، هنگامی که دانشجویی پاسخ نادقیقی به یک سؤال می دهد و به اصطلاح زیرسبیلی از ارائه دلیل برای مطلبش می گریزد، هر دو نفر ما هم زمان و هم صدا می پرسیم: "چرا؟" و بعد به هم نگاه می کنیم و می خندیم. این رویداد جالب با بیان من که "خوب، من شاگرد شما هستم!" طبیعی جلوه می کند.

حدود یک ربع قرن افتخار همکاری با آقای دکتر نیکنام به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه را داشته ام. چندین بار ایشان مدیر گروه ریاضی دانشگاه فردوسی بودند. همیشه خیرخواه آدمها بودند. شاید یکی از مهمترین خصوصیات وی این باشد که اساسا تمایل ندارد قوانین را به هم ریزد. همیشه سعی می کند با ارجاع به موارد مشابه قبلی مشکلات را حل نماید.

حضور دکتر نیکنام در جلسات، کمیته ها و شوراها همیشه کارساز بوده است. افکار باز و روشن و نقدهای صریح و مستدل به قانون همیشه راه گشا بوده و مانع انحراف افکار و جهت گیریهای شخصی بوده است. به خصوص، این را به مدت سه سال در شورای اجرایی انجمن ریاضی ایران، هنگامی که هر دو به عنوان اعضای آن در جلسات شورا در تهران شرکت می کردیم، می دیدم. در یکی از اولین جلسات، بدون اطلاع من، مرا به عنوان سردبیر خبرنامه انجمن به شورای اجرایی پیشنهاد داد که با استقبال اعضا روبرو شد. این منتهی که بر من نهاد موجب ورودم به عرصه امور اجرایی انجمن برای ۱۲ سال شد، امری مبارک که آن را هیچگاه فراموش نمی کنم.

او بالهای دانشجویان خویش را، یعنی آنان که به علم و توانایشان ایمان دارد، باز می گذارد تا در دنیای ریاضی جولان دهند و مقاله ارشد یا موضوع رساله دکتریشان را خودشان انتخاب نمایند. فشاری بر دانشجویانش وارد نمی کند، زیرا معتقد است آنها به قدر کافی بالغند و می توانند صلاح خود را تشخیص دهند.

از زیباترین لحظات زندگی ام زمانی بود که به عنوان دانشجوی دکتری وی به اتاق ایشان رفتم تا احوالپرسی کنم. آقای دکتر از من پرسید که اگر پذیرش مقاله ارسالی ات به مجله *Rocky Mountain Journal of Mathematics* بیاید چه کار می کنی. گفتم که از رساله ام دفاع می کنم! آقای دکتر دست در کشوی میزشان کردند و پاکت نامه ای را در آوردند و به من دادند و گفتند این هم پذیرش، برو رساله ات را بنویس. با حمایت وی، دوره دکتری ام را در دو و نیم سال تمام نمودم.

مشخصه دیگر آقای دکتر نیکنام "ریاضیدان" بودن وی است. آدم فکوری است، حتی وقتی وارد راهروی دانشکده می شود و می خواهد به دفتر کار خود وارد شود. آن جا که کلید خود را در قفل درب اتاق فرو می برد و دستگیره درب را بالا و پایین می برد تا دری را که قرار نیست باز شود باز کند. و آن هنگام که یکی از همکاران می گوید "آقای دکتر، اتاق شما اتاق بغل دستی است" و موج خنده استاد در راهرو می پیچد. و در این هنگام چهره خندان وی فراموش نشدنی است.

محمد صالح مصلحیان

استاد گروه ریاضی محض، دانشگاه فردوسی مشهد

اسفند ۱۳۹۴